

بررسی و نقد کتاب تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی؛ تا سده هفتم هجری

مرتضی نورایی*

چکیده

کتاب تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی؛ تا سده هفتم هجری (قنوت ۱۳۹۳: ۴۳۴) از جمله کتاب‌های تاریخی است که بر جریان متن‌نگاری در عرصه تاریخ تکیه دارد؛ تاریخ متن‌نگاری در متن. به بیان دیگر، مقصد اثر بازنمایی وقایع یا جریان تاریخی نیست، بلکه در این مقام بازسازی سازوکار تاریخ‌نگاری خاصی (محلی) در روند زمانی معین، از قرن سوم تا هفتم هجری قمری، است. سیر تحول تاریخ‌نگاری محلی از تک‌نگاری‌های مکان‌مند، مانند فتوح و خراج تا زندگی نامه‌ها در قالب طبقات و رجال و ورود به تاریخ‌نامه‌های محلی از جمله نمای روند متحولی را در این عصر نشان می‌دهند. بنابراین، کتاب حاضر سعی در بازنمایی یک روند در اسلوب و روش معنی‌دار گذشته‌نگاری معطوف تاریخ‌نگاری است. آیا نویسندگان به جنس و طبیعت نوشته‌های خود خودآگاهی داشته‌اند؟ دیدگاهی که در این کتاب قالب است و با آن نویسنده به عمق زمان فرو رفته و درصدد بازنگاری آن برآمده در واقع نگاه اسلوب‌مند تاریخ محلی است که از دریچه فصل کلیات این کتاب به منابع ورود می‌کند. فرایند منابع روشن‌گر سنت غنی تولید به‌منظور ماندنی کردن زمان گذشته در متون است. بنابراین، روند بازسازی و بازنگاری متون در قالب یافتن چهارچوب‌های در مدار روش و نگرش به‌واقع توانسته است گویای سنت غنی تاریخ‌نگاری محلی در ایران دوره میانه باشد. اینک تاب نمایش روند تکاملی تاریخ‌نگاری محلی در ایران تا قرن هفتم هجری قمری است. فرض اساسی این کتاب این است که زمان و جغرافیا (مکان) و نظام‌های سیاسی مثلث تحول در تاریخ‌نگاری محلی دانسته می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: ایران دوره اسلامی، تاریخ محلی، روش‌شناسی، سنت.

* استادیار تاریخ، دانشگاه اصفهان، nouraei@ltr.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

۱. مقدمه

تاریخ محلی نمایی عینی از گذشته دور و نزدیک در مقیاس مکانی محدود خاصی است. گذشته نزدیک و پنهان در کوی و برزن مناطق و شهرها در سیطره گسترده‌تر جغرافیای سیاسی یا اداری است. مبنای این نحله تاریخ‌نگاری ترسیم گذشته‌ای کم‌وبیش ملموس و معمول از زاویه‌ای نزدیک و ترجیحاً در زمان مؤلف است. بازشدن در پیچه‌های متعدد به گذشته‌ای متراکم و بی‌نهایت به سازوکارهای متنوعی نیاز دارد که در این راستا تواریخ مضاف توانسته‌اند این مهم را حتی‌الامکان انجام دهند و پاسخی به پرسش‌ها و ضرورت‌های روز داشته باشند. شیوه دیرپای تاریخ‌نگاری محلی، چه در سنت قدیم و چه در سنت مدرن، در واقع پیوسته سازوکار کمکی برای دریافت بهتر و دقیق‌تر گذشته بوده است. چنان‌که امروزه سبک و سیاق تاریخ‌نگاری محلی به‌منزله تاریخ کاربردی (practica history) یا تاریخ دم‌دست (immediate history) شناخته می‌شود. افزون‌براین، تاریخ‌های محلی سنگ بنای تاریخ اجتماعی نوین در نظر گرفته می‌شوند. ریزه‌کاری‌ها و ریزه‌نگاری‌های تاریخ‌های محلی در زمینه حیات اجتماعی مناطق نشان‌دهنده علاقه عمومی به گذشته موطن و محل زندگی بوده است. چنین علاقه‌ای در متون تاریخ محلی انعکاس یافته تاجایی که بخش‌هایی از این کتاب‌ها به‌منزله کتاب‌های درسی در دربارها و مدارس دست‌به‌دست می‌گشته است. حجم وسیعی از آگاهی‌های اجتماعی از راه این نوشته‌ها منتقل شده است. به همین دلیل، هر نوع بازنگاری در این نحله تاریخ‌نگاری به فرصت جدی و حوصله مکفی نیاز دارد. در این راستا، گاه به نمونه‌هایی برخورد می‌شود که قابلیت‌های خاصی را در متن انتقال می‌دهند تا بتوان مبنایی برای مطالعات بیشتر و دقیق‌تر فراهم شود. کتاب تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی از این دست تألیفات است که خود می‌تواند شالوده کارهای آینده در زمینه تاریخ‌نگاری محلی روش‌مند باشد. پرداخت مؤلف به این مسئله در دوره موردبحث از قرن‌های نخستین اسلامی تا قرن هفتم هجری، می‌تواند راه‌گشای پژوهش‌های بیشتر و متنوع‌تر در این موضوع باشد. میراث تاریخ‌نگاری دوره میانه ایران هنوز نیاز مبرمی به پژوهش‌هایی از این دست دارد. چنان‌که در قسمتی از این اثر ملاحظه می‌شود، بسیاری از منابع و مستندات تاریخ‌نگاری‌های این دوره در سایر منابع نهفته است و لازم است که پژوهش‌هایی متمرکزی بر منبع‌شناسی منابع دوره میانه تعریف شوند.

۲. نقد شکلی (form)

این کتاب به لحاظ فنی مطلوب ارزیابی می‌شود. طرح روی جلد، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، کیفیت چاپ، صحافی، و قطع این کتاب با دقت لازم انجام گرفته است. هم‌چنین، باتوجه‌به متن در دست، این کتاب نمونه‌خوانی و غلط‌گیری شده است. ضمن این‌که ملاحظات نشان می‌دهد که متن به‌خوبی تنظیم یافته و مسائل نگارشی و ویرایشی آن کم‌وبیش بی‌نقص است. افزون‌براین، متن از هر حیث در انتقال مفاهیم و معانی روان بوده و از ادبیات منطقی و همواری برخوردار است. باتوجه‌به تخصص نویسنده و کارهایی که پیش از این در زمینه تاریخ و تمدن اسلامی ارائه کرده، نشان از تسلط نسبی ایشان بر روش تحقیق، منابع، مطالعات، و تحقیقات تاریخی دارد. از نظر شکلی، کتاب دارای مقدمه، متن، و نتیجه است. شکل ارجاع‌دهی در این کتاب روش پسندیده پانوش است که کار اعتبارسنجی بلاواسطه از سوی خواننده به‌سهولت قابل پی‌گیری است. هم‌چنین، دو انتشارات متولی اثر، یعنی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، در زمینه تألیف صاحب تجربه‌اند که با سازوکار ناظر و داوری، آثار پذیرفته می‌شوند و به‌چاپ می‌رسند. از این‌رو، می‌توان گفت این اثر در چند مرحله به داوری گذاشته شده و نویسنده پیوسته در رفع و رجوع ایرادات احتمالی سعی داشته است. از سوی دیگر، دایره خوانندگان این متن معمولاً متخصصان و دانش‌پژوهان تاریخ و تمدن ایران اسلامی هستند که بدین منظور اثر با شکل موجود می‌تواند پاسخ‌گوی بخشی از پرسش‌ها و نیازهای مراجعه‌کنندگان باشد.

کتاب شامل یک مقدمه، چهار فصل، جمع‌بندی، پیوست‌ها، منابع، و نمایه است. فصل اول: تعاریف و کلیات؛ شامل طرح بحث، تعاریف، کتاب‌شناسی، و دسته‌بندی انواع کتاب‌های تاریخ محلی (قنوات ۱۳۹۳: ۵-۳۰)؛ فصل دوم: تاریخ‌نامه‌های محلی، شامل پراکندگی زمانی و مکانی و موضوعی تاریخ‌های محلی است که در ابتدا به فتوح، آن‌گاه به خراج، و در نهایت به جمع‌بندی نهایی منتهی شده است (همان: ۳۱-۱۹۲)؛ فصل سوم: زندگی‌نامه‌های محلی، شامل ۵۲ منطقه (همان: ۱۹۳-۲۳۶)؛ فصل چهارم: چند تاریخ محلی ناشناخته، شامل منبع‌شناسی ۱۹ مورد (همان: ۲۳۷-۳۵۰). در این‌جا آنچه می‌توان در بررسی شکلی اثر گفت این است که در کتاب حاضر، عنوان با فهرست‌بندی اثر مطابقت دارد.

۳. نقد محتوایی (content)

۱.۳ منطق

دستگاه منطقی تاریخی حاکم بر این اثر همانا تسلسل زمانی (کرنولوژیک) است. بدین صورت پدیدآورنده پیوسته در هر موضوعی تلاش داشته تا تقدم و تأخر زمانی موردبحث را مدنظر قرار دهد و مستندات و روایت مبنایی خود را بر همین اساس استخراج و دسته‌بندی کند. بی‌شک هسته سخت و مرکزیت هر تبیین تاریخی روایت (نقل) است (Munslow ۲۰۰۰: N). به بیان دیگر، از آن‌جاکه کار مورخان بازنمایی روایت به شکل گام‌به‌گام است، مبنای این حرکت بازنگاری زمانی طولی و عرضی است (نورائی ۱۳۸۷: ۳۲-۳۵). این نکته در عنوان اثر به خواننده متذکر می‌شود: «تاریخ‌نگاری محلی ایران دوره اسلامی تا سده هفتم هجری». بنابراین، نظم و منطق کلی اثر بر محور زمانی، در زیرمجموعه فصول چهارگانه کتاب مهندسی شده است. بدین منظور، مؤلف تلاش داشته است تا در چرخش زمانی به تنوع موضوعی در زیرمجموعه فصول بپردازد و موضوعاتی مانند فتوح، ضمن بررسی محتوایی، آن‌ها را در ترتیب زمانی موردملاحظه قرار دهد. چنان‌که ذکر ۲۴ مورد از فتوح بازشناخته‌شده، در فصل دو، به ترتیب زمانی گردآوری و دسته‌بندی شده‌اند. در همین فصل، باز توجه به فتوح یا همان فتح‌نامه‌ها در تقدم زمانی نسبت به تاریخ‌نامه‌های محلی قرار گرفته که خود پیروی از منطق زمانی حاکم بر اثر است.

۲.۳ منابع و مستندات

وجه دیگر حرکت گام‌به‌گام در مدار تحقیقات تاریخی بازسازی گذشته برپایه مستندات معتبر و حتی الامکان منابع اصلی یا اولیه است. بی‌شک بازسازی و نگارش‌های محلی در طلیعه تاریخ‌نگاری دوره اسلامی و پس از آن تا قرن هفتم هجری به واریسی و بررسی منابع اصلی وسیعی نیاز داشته که فهرست منابع پایان کتاب گویای آن است. از این رو، سعی بلیغی از سوی مؤلف در جست‌وجوی منابع و ارزیابی آن‌ها در مدار تاریخ محلی صورت گرفته است. می‌توان گفت بررسی کتاب و مقایسه ارجاعات نشان می‌دهد کم‌وبیش تمامی منابع در دسترس و مرتبط با موضوع موردملاحظه قرار گرفته است.

مبنای توجه به موضوع تاریخ‌نگاری محلی در ایران بازنمایی چگونگی تاریخ‌نگاری محلی مدرن و پسامدرن میان مورخان جهانی نیز بوده است (فصل یک)، اگرچه تاریخ‌نگاری محلی در ایران سابقه طولانی داشته، پرداخت مجدد به آن در قالب تألیف

حاضر ضرورت بازبینی مطالعات جدید در تبیین دوباره آن محرز بوده است. چنان‌که در فصل نخست در قالب تعاریف و کلیات بر همین پایه، نویسنده سعی در بازنگاری تاریخ محلی در قرن‌های مورد تحقیق را دارد. بیش‌تر این‌که روند ارجاع‌دهی در سراسر اثر یک‌دست بوده نمایی از بازسازی روایت مبنایی را با دقت و براساس مستندات معتبر تداعی می‌کند. هم‌چنین، در مطابقت ارجاعات ضمن اعتبارمندی آن‌ها نشان از امانت‌داری نیز برداشت می‌شود.

۳.۳ تحلیل و بررسی

متنی که برآمده از مستندات معتبر باشد خواه‌ناخواه هم نویسنده و هم خوانندگان را به تحلیل و تفسیر روند روایت وامی‌دارد. تحلیلی که برگرفته از داده‌های مستند و متقن روایت مبنایی است. چنان‌که نویسنده نیز بر این نکته واقف است که «توصیف دقیق یک واقعه یا جریان [...] تنها پس از آن‌که حتی‌المقدور توصیفی همه‌جانبه از آن حادثه یا جریانی صورت پذیرفت، ظاهر می‌شوند و اصولاً امکان‌پذیر هستند» (قنوات ۱۳۹۳: ۱). بدین صورت، می‌توان انتظار داشت که مؤلف توانسته باشد در روایت خود، مبنای علمی قابل‌قبولی را برای تحلیل‌های درون‌متنی و گفتمانی پی‌ریزی کند. از آن‌جاکه بازسازی متن از منظر علمی تاریخ‌پیروی کرده است، خواننده می‌تواند در هر مقطعی امکان راستی‌آزمایی متن را داشته باشد. از این‌رو، می‌توان گفت متن جامعی مانند نوشته حاضر در جاده بی‌طرفی سیر کرده و از این‌رو، تحلیل‌ها می‌تواند مبنای درستی داشته باشد (مکالا ۱۳۹۲: ۲۳۷). گو این‌که بازآفرینی تاریخ‌های محلی این دوره در چهارچوب کتاب موجود خود از پشتوانه نظری مناسبی برخوردار است.

بیش‌تر این‌که در متن به موارد تحلیلی متعددی برخورد می‌شود که نتیجه براینده موضوع در عرصه تاریخ‌نگاری محلی است. جغرافیای شمول مبحث تاریخ‌های محلی از فتوح و خراج شروع شده تا به محلی‌نگاری‌های مستقل یا موردی رسیده است. در این راستا، نظر فرانتس روزنتال بر این است که متون موجود در عرصه محلی‌نگاری را می‌توان در دو طبقه تاریخ‌های محلی دینی و غیردینی (سکولار) دسته‌بندی کرد (قنوات ۱۳۹۳: ۱۱). قنوات ضمن بازنگری این نظر به نقد و تحلیل این دیدگاه روزنتال پرداخته است. وی معتقد است زندگی‌نامه‌های محلی در دو دسته فوق قرار نگرفته‌اند و می‌توانند دامنه دیگری از مباحث محلی را در حیطه رجال و فرهنگ‌نامه‌های عمومی باز کنند (فصل سوم). بدین صورت،

مؤلف عناوینی مانند زندگی‌نامه‌های محلی دینی و غیردینی را تقسیم کرده و شمول طبقات، معجم‌ها، و تراجم را در مبحث تاریخ‌های محلی قرار می‌دهد (همان: ۳۵۳).

از منظر روش‌شناسی، مسیر پژوهش در صورتی که براساس مبانی تحقیقاتی صحیح پیروی کند، می‌توان انتظار داشت که آن تحقیق به توسعه علمی و نوآوری منجر بشود. در درجه نخست، این کتاب به دلیل آن‌که با نظریه ساخت زیرساخت تحقیقاتی برای تاریخ‌های محلی و نشان‌دادن شجره‌نامه تاریخ محلی دست به کار شده است، خود نمونه‌ای از نوآوری است. از سال ۱۹۶۸ م، پس از اثر ارجمند روزنتال و نظریات وی در باب تاریخ‌نگاری در اسلام روند تخصصی‌شدن تاریخ پیوسته رو به توسعه بوده است. تأسیس دپارتمان‌های مختلف در پیکره تاریخ‌دانی نشان از ضرورت نگرش‌های فنی‌تر در عرصه تاریخ است. ورود به تخصصی‌شدن علوم، افزون‌بر تجربه و تفکر توسعه‌ای، به زیرساخت‌های لازم نیاز دارد که مهم‌ترین آن‌ها وجود متون (texts) لازم و مرتبط است. تألیفات دیگر در این زمینه در ایران یا ترجمه‌اند یا به‌طور عمومی به تاریخ‌نگاری محلی پرداخته‌اند (آزند ۱۳۸۰؛ سجادی ۱۳۷۵). مجموعه آثاری که در این عرصه از مکتب تاریخ‌نگاری محلی اصفهان به‌ویژه تولید شده است گویای این عزم است. پیش از این، اثر جامع و دانشگاهی درباره خط‌نویسی در واقع مدخلی بود بر تاریخ‌نگاری محلی در جهان اسلام (نورائی ۱۳۹۰).

در عین حال، فراتر از فرضیه اساسی یادشده، این کتاب حاوی افزوده‌های متنوعی در عرصه مورد ادعا در تاریخ محلی است. کندوکاوهای اثر نشان می‌دهد که توجه کلی به مبحث محلی‌نگاری کارساز نبوده و باید سرمایه‌گذاری مؤثر در این زمینه انجام بگیرد. چنان‌که این مطالعه نشان می‌دهد، دو عرصه تاریخ‌نامه‌های محلی و زندگی‌نامه‌های محلی برای محلی‌نگاری دو میدان متفاوت‌اند. این دو در مسیر تحقیق مؤلف خودنمایی کرده و استخراج یافته است. هرکدام از این فقرات می‌تواند به‌منزله پروژه‌ای مستقل برای ادامه تحقیقات در این زمینه باشند. افزون‌براین، این تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از تاریخ‌نامه‌های محلی مفقوند، اما ذکر خبر آن‌ها در سایر آثار بازمانده می‌تواند اسباب بازپرووی و گردآوری و شناسنامه‌دارشدن آن‌ها شود. این خود نیز به‌نظر می‌رسد که حائز اهمیت بسیار است: منبع‌شناسی منابع تاریخ‌های محلی.

از نکات روش‌مند و مؤثر تحقیقات در زمینه‌های تاریخی این است که کار براساس فرضیه یا پرسش‌ها پیش رود. به عبارت دیگر، تحقیق پرسش‌محور یا فرضیه‌مدار باشد. از آن‌جاکه به‌نظر می‌رسد شاکله اساسی این پژوهش برپایه تهیه و تنظیم و دفاع پایان‌نامه بوده

است، مسیر تحقیق براساس فرضیه‌هایی (قنوت ۱۳۹۳: ۱۶-۱۷) بارور شده و مستخرجات قابل‌یافته است و در همه حال، از آن‌جاکه پرسش‌های پنج‌گانه این کتاب دربردارنده خط سیر تألیف است می‌تواند حائز اهمیت باشد:

۱. تاریخ‌نگاری محلی ایران از چه زمانی آغاز شد؟، ۲. تاریخ‌نگاری محلی ایران تحت چه عوامل و انگیزه‌هایی شکل گرفت؟، ۳. انواع تاریخ‌نگاری محلی ایران کدام‌اند؟، ۴. دوره‌های تاریخ‌نگاری محلی ایران کدام‌اند؟، و ۵. مخاطبان تاریخ‌های محلی ایران چه کسانی بوده‌اند؟ (همان: ۱۶).

بدین صورت، پنج‌ضلعی پرسش‌های مذکور قالب اثر را می‌تواند به‌لحاظ محتوایی ترسیم کند. گو این‌که دو فرضیه شفاف بر مبنای همین پرسش‌ها نیز کارگزار اصلی تألیف‌اند. در عین حال، دو فرضیه برآمده از پرسش‌های مذکور چگونگی و میزان اثرگذاری متغیرها طی پژوهش است:

۱. پراکندگی جغرافیایی و زمانی تاریخ‌های محلی ایران معنادار است و به‌نظر می‌رسد با اوضاع اجتماعی، سیاسی، علمی، و آموزشی شهرها و مناطق مختلف رابطه‌ای نزدیک داشته باشد. ۲. [...] میان تشکیل دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل در نواحی مختلف ایران و رونق‌گرفتن تألیف تاریخ‌های محلی رابطه‌ای وجود دارد (همان: ۱۷).

درواقع، ترکیب دو فرض مذکور در این اثر نمایشی از این فرض اساسی و راه‌بردی مورخان محلی است: زمان، جغرافیا (مکان)، و نظام‌های سیاسی مثلث تحویل و تحول در تاریخ‌نگاری محلی‌اند. به بیان دیگر، جغرافیای محلیت (locality) در تبیین و نگارش‌های محلی‌نگاران در این مثلث پیوسته تغییر وضعیت داده و بیان‌گر این است که محلی‌نگاران به سیالیت تاریخ‌نگاری محلی در مفهوم محلیت واقف‌اند.

نتیجه تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در دوره موردب‌بحث از ۱۴۲ عنوان مستخرج در قالب تاریخ‌نامه‌های محلی، نوزده مورد آن به‌طور مستقل وجود نداشته و محتوای آن‌ها در سایر آثار مذکور شده است. این آثار مفقود به‌طور مستقل در فصل چهارم به آن‌ها پرداخته شده که از مهم‌ترین مستخرجات این کتاب است. هم‌چنین، در این کتاب نشان داده می‌شود که روند محلی‌نگاری پیوسته به‌سوی کمال بوده است و رفته‌رفته خرده‌نگاری‌ها به شکل‌گیری آثاری تحت عنوان تاریخ‌های محلی منجر شده است. در این جهت، از یافته این تحقیق برمی‌آید که زندگی‌نامه‌های محلی مستخرج از رجال و طبقات خود نمونه‌ای از محلی‌نگاری به‌شمار می‌روند. امروزه، تاریخ‌های خاندانی بخشی از تاریخ محلی در نظر

گرفته می‌شود. این از آن جهت است که خاندان‌ها زاده و مربوط به مولد خودند که دارای جغرافیای معینی است.

افزون‌براین، در این پژوهش، دو عنصر زبان و مخاطبان انواع محلی‌نگاری‌ها در هر دوره‌ای در بازه زمانی تحقیق مورد توجه قرار گرفته است. طبقه‌بندی زمانی به سه دوره اول (نیمه دوم تا نیمه قرن سوم)، دوم (نیمه قرن سوم تا نیمه قرن پنجم)، و سوم (نیمه قرن پنجم تا آخر قرن هفتم) حائز اهمیت است.

دو دوره اول و دوم طبق داده‌های پژوهش زبان عربی در نگارش آثار مذکور حاکمیت داشته، اما در دوره سوم نگارش‌ها به زبان فارسی استحاله یافته است:

نکته جالب این‌که از میان نه (۹) اثری که در این دوره نوشته شده‌اند، تنها کتاب *محاسن اصفهان* به زبان عربی است و هشت اثر دیگر به زبان فارسی نوشته شده‌اند. به نظر می‌رسد حرکتی که پس از تشکیل دولت سامانی از سوی ابوعلی بلعمی با ترجمه آزاد تاریخ طبری به زبان فارسی آغاز شده بود، از نیمه‌های قرن پنجم هجری اوج گرفت و زبان زنده‌شده فارسی دست‌کم در این عرصه بر زبان عربی، که زبان اصلی تمدن اسلامی بود، غلبه کرد. شاهد این‌که ابونصر قباوی که خود در همین دوره (سال ۵۲۲ ق) تاریخ بخارا را از عربی به فارسی ترجمه کرد، گزارش کرده است: "بیش تر مردم به خواندن کتاب عربی رغبت نمایند". بدین گونه این دسته کتاب‌ها را می‌توان نماد نوعی انفکاک یا دست‌کم تنوع در تمدن اسلامی به‌شمار آورد (قنوات ۱۳۹۳: ۱۳۷).

درعین حال، فرهنگ‌نامه‌ها یا همان زندگی‌نامه‌های محلی دینی به دلیل نوع مخاطبان راه نویسندگان سلف را پیموده و به زبان عربی تألیف می‌شدند: «از ۵۱ عنوان زندگی‌نامه‌های محلی دینی که تا سده هفتم هجری می‌شناسیم، نشانه‌ای بر این‌که حتی یکی از آن‌ها به زبان فارسی نوشته شده باشد، در دست نیست» (همان: ۲۰۲). چنین وضعی هم‌چنین، در مورد زندگی‌نامه‌های محلی غیردینی صادق است (همان: ۳۱۹). به نظر می‌رسد چنین وضعیتی نیز تحت تأثیر دایره مخاطبان بود. در مورد تاریخ‌های محلی در سیر دوره‌های مختلف از خوانندگان ویژه، یعنی حکمرانان عرب یا عرب‌زبان، به حیطة مردم فارسی‌زبان توسعه یافته است. درحالی‌که در زندگی‌نامه‌ها نکته دیگری مطرح بوده است که حائز اهمیت و توجه اساسی است. یکی دیگر از برون‌دادهای این متن نشان می‌دهد که زندگی‌نامه‌ها اساس متون درسی تلقی می‌شده است که در کانون‌های تحصیل و آموزش، که زبان علمی عربی بوده، تدریس و نگه‌داری می‌شده است. این دست‌نوشته‌ها معمولاً

برای حفظ سلسله‌نسب علمی در مناطق مختلف مانند طبقات کارکرد آموزشی، دینی، علمی، و اجتماعی داشته است. بدین جهت، به‌منزله سند یا آرشیوهای خانوادگی یا محلی تلقی شده و در هر دوره نویسندگان به تکمیل آن‌ها دست زده‌اند.

۴. نتیجه‌گیری

۱. بررسی‌های این کتاب نشان می‌دهد که عنوان اثر با فهرست و محتوا مطابقت لازم را داشته و نویسنده روال معینی را کم‌وبیش در استدلال و مهندسی آن در پیش گرفته است. یک‌دستی روند توسعه روایت اصلی، شیوه استدلال و تحلیل، و بهره‌گیری مناسب و معتدل از منابع اصلی و مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد که نویسنده با حوصله و توان علمی لازم به پژوهش و تألیف این کتاب پرداخته است؛

۲. کتاب حاضر به‌تمامی در عرصه تحلیل منابع ایران اسلامی حول محور فرضیه مبنایی شکل گرفته است. به همین دلیل، آن‌چه تولیدشده نمایشی از میراث غنی اسلامی است که امروزه باید از سیر آن مطلع بود و از آن‌ها بهره‌گیری کرد. به‌ویژه آن‌که تاریخ‌های محلی مبنایی برای تحقیقات اجتماعی در قرون قبل تا قرن حاضر است. از این جهت، توجه مناسب به سیر تحول آن می‌تواند جوانب مختلف و مغفول حیات اجتماعی را روشن‌تر کند. به همین علت، این اثر می‌تواند به‌مثابه متن درسی یا کمک‌درسی مناسب برای دروس تاریخ محلی ۱ و ۲ در سطح دکتری، تاریخ‌نگاری ایران، تاریخ‌نگاری و نقد منابع در مقاطع مختلف مفید باشد؛

۳. این کتاب می‌تواند به‌منزله اثر مبنایی برای شروع و ادامه پژوهش‌ها در دامنه تاریخ محلی باشد. چنان‌که تلاش نویسنده نیز برای این نبوده که اثر تاریخی خود را بر مبنایی منطقی چینش کند تا بر همین اساس برای مثال الگوی مناسبی جهت تولیدات علمی عرضه کرده باشد. درعین کمال اثر باید گفت این‌گونه تألیفات مبنایی قاعدتاً اصطلاحات و عبارت‌های خاص و تخصصی دارند. لذا، گمان می‌رود که با توجه به حجم بالای وجود اصطلاحات تاریخ محلی لازم بود که در درجه نخست همراه واژه‌های علمی - تخصصی برابر نهاد لاتین آن‌ها در پرانتز یا پانوشت ذکر می‌شد. و دست‌آخر در پایان کتاب، بخشی تحت عنوان اصطلاح‌شناسی (ترمینولوژی) تنظیم می‌یافت تا در ادامه تحقیقات محلی برای سایرین نیز الگوی مناسبی به‌منظور ادامه کار علمی فراهم شود. امید است که در چاپ‌های آتی این نکته مدنظر قرار گیرد؛

۴. در پایان کتاب، پنج نمودار و دو جدول آمده است که در مجموع توانسته اطلاعات فشرده‌ای را از یافته‌های کتاب در اختیار خوانندگان قرار دهد. ضمن این که وجود جمع‌بندی‌ها چه در میان فصل دوم و یک‌جا در آخر اثر بسیار ستوده است، اما رویه این است که اگر ارزیابی در خاتمه فصول صورت بگیرد، به معنی آن است که با در نظر داشتن آن می‌توان به فصل بعدی ورود کرده و در فهم آن مؤثر است. اما چنین رویه‌ای در مابقی فصول دیده نمی‌شود و کار در این زمینه یک‌دست نیست.

کتاب‌نامه

- آزند، یعقوب (۱۳۸۰)، *تاریخ تاریخ‌نگاری در ایران*، تهران: گستره.
- سجادی، سیدصادق و هادی عالم‌زاده (۱۳۷۵)، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران: سمت.
- قنوت، عبدالرحیم (۱۳۹۳)، *تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی، تا سده هفتم هجری*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- مکالا، سی. بی. ین (۱۳۹۲)، *بنیادهای علم تاریخ*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- نورائی، مرتضی (۱۳۸۷)، *راه‌نمای نگارش در تاریخ*، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- نورائی، مرتضی و مهناز شعرباغ‌چی‌زاده (۱۳۹۰)، *تاریخ‌نگاری محلی و خط‌طونویسی در مصر دوره اسلامی*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.